

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کانون مطالعات سیاسی افغانستان

۱۹ دسمبر ۲۰۱۸

فروکش خیزشهای اعتراضی و صلح خواهی شمال افغانستان و درسهای حاصله از آن

۴

ایران:

دولت ایران به مخالفان امریکا در افغانستان و مخالفان عربستان سعودی در عراق و یمن و سوریه و لبنان کمک های فراوانی می رساند. به گونه مثال در حال حاضر به گروه طالبان در افغانستان مستقیماً کمکهای سخاوتمندانه می کند تا امریکائیان را دچار مشکل سازند. حوادث مختلف من جمله افگندن آشوب در هرات و گرفتن مرکز ولایت فراه با کمک نظامی و مالی با طالبان جلوه هائی از قدرت نمائی ایران در افغانستان است تا به امریکا نشان دهد که ایران می تواند پروژه امریکا را توسط عمال خویش در افغانستان به خطر مواجه سازد. در اساس دولت ایران در صدد آنست، که پای امریکا را در گودال افغانستان عمیقتر فرو برد. ایران در جنگ سوریه نشان داد که می تواند سیاست های امریکا را در شرق میانه به خطر مواجه سازد. ایران در جنگ سوریه هزاران افغان اهل تشیع مقیم ایران را تحت عنوان لشکر فاطمیون بسیج نموده و به نام دفاع از حرم بی بی زینب (زینب خواهر حسین بن علی که در دمشق دفن است) به جنگ در سوریه فرستاد.



افغانها در یکی از تولى های (واحد) تک تیر انداز لشکر فاطمیون در سوریه

چون مناسبات امریکا و ایران ظاهراً رو به خرابی می رود، لذا از نظر سیاست گذاران ایران، افغانستان بهترین جانیست که می شود به دشمن امریکائی ضربه وارد نمود. لشکر فاطمیون در سوریه که در کنار حزب الله لبنان علیه



گروه تروریستی داعش جنگیده اند، یکی از مجرب ترین لشکرهای برون مرزی ایران در سوریه است که حتی علی خامنه ای رهبر ایران از این گروه بسیار ستایش کرد. برای امریکا زمانی لشکر فاطمیون خطرساز می گردد که اگر ایران تعدادی از این لشکر را که آزموده جنگ خشن اند، برای جنگ و ضربه زدن به امریکائیان به افغانستان انتقال دهد. البته منافع ایران در جنگ افغانستان تنها به رقابت

ایران با عربستان و امریکا و غرق نمودن این کشورها در باتلاق جنگ افغانستان خلاصه نمی شود، بلکه هدف دیگر ایران تسلط بر منابع آب طبیعی افغانستان و ممانعت از تمدید پروژه های انتقال گاز و برق از طریق افغانستان به هند و پاکستان نیز می باشد. لذا ایران تلاش دارد تا اگر برایش ممکن باشد، افغانستان را چون سوریه، لبنان، عراق و یمن بعدی با استفاده از ابزارهای دست داشته اش در جنگ نگه دارد تا گویا بتواند به آرزوی خویش جامه عمل بپوشاند. از اینرو نقش ایران در افغانستان مشتعل نگه داشتن جنگ و ممانعت از صلح می باشد.

هند:

این کشور همین اکنون از لحاظ نظامی وابسته به روسیه و از لحاظ اقتصادی وابسته به غرب است. ولی هم پیمان شدن نظامی هند با امریکا، وجود هند را در منطقه به خطر می اندازد. چون امریکا قدرت عبوری جهانست، در حالی که چین و روسیه در منطقه ماندگار اند و هند نمی تواند در دشمنی با آنها به سر برد. لذا هند با وجود مشکلات جدی با پاکستان و مشکلات سرحدی که با چین دارد، به نفع خود می داند که در کنار چین و روسیه و در مقابل پاکستان قرار گیرد. هند برای صادراتش به کشورهای آسیای میانه تلاش دارد و به همین لحاظ در جلسه کشورهای شانگهای دعوت می گردد. هند در بازسازی افغانستان کمک فراوان نموده که خشم پاکستان را بر افروخته. از اینرو دشمنی هند و پاکستان در یک جنگ نیابتی در افغانستان به پیش برده می شود. پاکستان برای توجیه اعمال خرابکارانه خویش در افغانستان، حضور هند را درین کشور بهانه می آورد. از اینرو همکاریهای انکشافی و بازسازی هند در افغانستان، پاکستان را سخت خشمگین ساخته و تشدید جنگهای نیابتی را در قبال دارد. هند برای ضربه زدن به پاکستان از گروه های ضد دولتی پاکستان در بلوچستان و پشتونستان وسیعاً حمایت می کند و ضمناً برای گروهی در افغانستان برای تازه نگهداشتن داعیه مرز دیورند و ایجاد احساسات ضد پاکستانی در افغانستان کمک هائی فراوانی می کند.

۵ - موضع گیری کاتون مطالعات سیاسی افغانستان

از توضیحات مختصر بالا روشن می گردد که حاصل کار دولت فاسد و قوای اشغالگر خارجی در این هجده سال، کلان سازی داعش، گلبدین و طالبان، سرکوب اعتراضات و جنبشهای بحق مردم، بدنام کردن دیموکراسی، حقوق بشر و جامعه مدنی، فقر گسترده مردم، کشت کوکنار و معاملات مواد مخدر، اعتیاد، فساد، فحشاء، چپاول، نفاق قومی، مهاجرت، مزدور منشی و ده ها مصیبت دگر می باشد. امریکا و انگلیس با متحدین پاکستانی و عربی در تلاش اند تا

دولت دست نشانده و فاسد موجود را برای تطبیق پروژه های منطقه ئی شان، سالهای دگر در قدرت نگه دارند. لذا هر کشور، متکی به منافع خویش در این تنور، نان خودش را می پزد. بنابراین با تحلیل مختصر در مورد عوامل داخلی و خارجی جنگ افغانستان واضح می گردد که در رابطه به قطع جنگ و اسقرار صلح در افغانستان، راه پر پیچ و خمی در پیشروست.

یکی از پیچیدگی های موضوع در این است، که عناصر و حلقه های متعددی در کشور وجود دارند (در درون حکومت و بیرون از آن) که از جنگ طرفداری کرده، ادامه حیات و تضمین ثروتهای بادآورده خود را درجنگ می بینند. از جانب دگر کشورهای متعددی به درجات مختلف در مشتعل نگه داشتن جنگ در افغانستان مصمم اند. علاوه برین استعمار و ارتجاع به انواع نفاقها دامن زده و کوشیده اند تا زمینه های وحدت مردم را که پادزهر اشغال و استبداد است، از بنیان بر اندازند. تعجب بر آنست که در کشور بلا کشیده ما که ۸۰ درصد بی سواد و اقلیت کم سواد یا با سواد دارد، ترفند تفرقه افگنی استعمار به شیوه های نژادی، لسانی، مذهبی، قومی و منطقه ئی کارگر افتیده و درین سالیان پسین حتی فرزندان که تا دیروز ادعای جامعه بدون طبقه و انترناسیونالیزم و عدالت اجتماعی را موعظه می کردند، خود در این لجنزار متعفن فروغلتیده اند و به نوحه سرائی اقلیت و اکثریت و بومی و مهاجر و امثال آن پرداختند و از سیاه ترین چهره های خائن و مزدور و دست نشانده به اشکال گوناگون حمایت کردند و می کنند. لکن این گروهکها خسان روی آب بیش نیستند و در اولین طوفان مردم به نیستی می گرایند. لذا برای نجات کشور از هر طریق ممکن و مشروع، بالخاصه با استفاده از ارزشهای دیموکراسی، باید برای بسیج توده های مردم استفاده کرد. لذا به باور کانون مطالعات ستراتیژیک افغانستان اتکاء به نیروی لایزال توده های مردم و اصول آزادی، دیموکراسی و عدالت اجتماعی عمده ترین ضرورت جامعه می باشد که باید برای آن مبارزه نمود.

کانون مطالعات سیاسی افغانستان امیدوارست که خیزش های اعتراضی مردم که اینک فرو کشیده اند، بار دگر سر برون آورده، به طور یکپارچه و متحد، با شعارهای ملی و سرتاسری، فارغ از توطئه و معامله گری، به پیش برود و سرانجام با ایجاد یک دولت سالم و قانون مدار، حقوق پایمال شده مردم برآورده گردد. امید که اندیشمندان و روشنفکران مترقی و وطنخواه برمشکلات وموانع غلبه کنند و چراغی فرا راه مردم شوند تا این خلق مظلوم و در بند کشیده کماکان از چاله به چاه و از چاهی به چاه دیگر نیفتند. این مأمول زمانی میسر می گردد که ستراتیژی و تکنیک های خیزشهای مردمی مدون گردیده، خواسته های شان فرا قومی و فرا منطقه ئی به صورت سرتاسری مطرح گردند. در این رابطه برقرار کردن روابط و ضوابط چنین خیزشها و ایجاد ستادهای رهبری کننده آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. همچنین شعار خروج نیروهای خارجی به عنوان عامل اصلی بد بختیهای ما و ایجاد کانون های انسجام و همکاری ضرور پنداشته می شوند. تجارب خیزشهای اعتراضی صفحات شمال نشان داد، که رفتن دنبال جنگ سالاران و دولتمداران و اربابان خارجی شان جز ناکامی و بربادی امید های مردم، چیزی در قبال ندارند. از اینرو ایجاد یک کانون انسجام و همکاری برای عملی ساختن اتحاد سرتاسری تمام نیروهای طرفدار آزادی، استقلال، دیموکراسی و عدالت اجتماعی برای تأمین خواسته های بحق مردم ضرورت تاریخی می باشد.

جاویدان باد بیداری و اتحاد مردم بلا کشیده شده افغانستان !

ننگ ابدی بر جبین معامله گران، کج اندیشان، تروریستان و قلدران زمان !

پایان